



آخ! ببخشید تورو خدا!

رضا خطیبی

مطالعه واقعا یکی از نعمت‌های بزرگی است که خداوند می‌توانست به ما آدم‌ها عطا کند که عطا هم کرد!

یکی از متن‌های ساده، اما اثرگذاری که پیش از این، جایی خوانده بودم، در عین سادگی تأثیر زیادی روی من گذاشت. نه این‌که من را آدم خوبی کرده باشد... لاف‌های خیلی وقت‌ها، سر «بزن‌گاه» یادم می‌افتد:

«یک لیوان شیشه‌ای خوش نقش و نگار را بردارید. ترجیحا جنسش هم خوب باشد. خانم‌ها در این امور مسلط‌تر هستند. فکر کنم جنسش بلور کریستال باشد، خیلی مرغوب خواهد بود!

حالا این لیوان را ول کنید! خب ولش کنید!

چه اتفاقی افتاد؟! لیوان خرد و خاکشیر شد؛ نه؟!!

خب حالا اشکالی ندارد. چیزی نشده که! همین حالا فورا از لیوان عذرخواهی کنید. بگو معذرت می‌خواهم، منظور خاصی نداشتم! به لیوان بگو «به دل نگیر، جبران می‌کنم!» و از این دست حرف‌ها...

خب... گفتید؟! حالا چی شد؟! لیوانی که خرد و خاکشیر شده، با عذرخواهی شما، مثل اولش شد؟!!

این همان اتفاق تلخی است که ما آدم‌ها، خیلی وقت‌ها باعث و بانی رخ دادن آن می‌شویم.

دل‌هایی که از دست ما و با کارهای ما می‌شکنند و مثل لیوان قصه ما، تکه تکه می‌شوند، با عذرخواهی ما هرگز به حالت عادی باز نخواهند گشت. دوست من! مراقب باش توی زندگی‌ات، بلور قلب عزیزانت را نشکنی

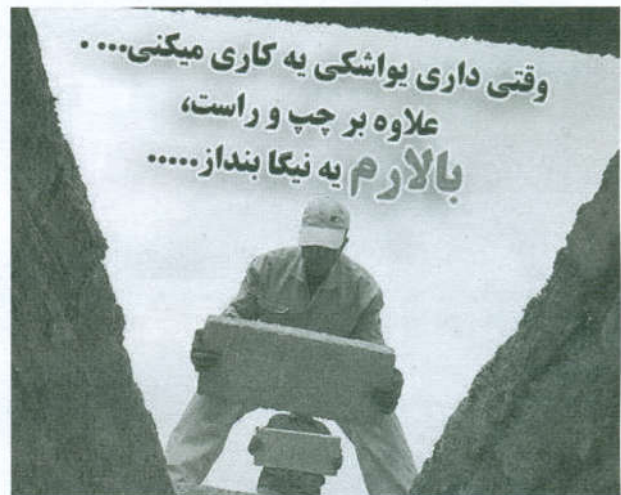
.....

اشاره:

از این شماره؛ البته به صورت یک شماره در میان، قرار است در همین صفحه، یادداشت‌های آزاد نویسندگان نشریه را بخوانید که فارغ از موضوعات مناسبی و پرونده ویژه نشریه، خیلی راحت در این دو صفحه، آن‌چه در دل‌شان جاری‌ست را روی نوک قلم‌شان قیل داده و برای شما نوشته‌اند.

تبصره:

این دو صفحه، فقط مختص به نویسندگان ثابت مجله نیست... از یادداشت‌های اجتماعی و دل‌نوشته‌های تک‌تک‌تان در این قسمت، استقبال می‌کنیم.



وقتی داری یواشکی به کاری میکنی...
علاوه بر چپ و راست،
بالارم به نیگا بنداز.....



فاصله اذان تا نماز

رضا یاقری شریف

این دنیا زندگی کنیم! دقیقا همین قدر کوتاه! ما همین قدر فرصت داریم تا قبل از این‌که دوستان و آشنایان مان بر جنازه ما، قامتِ نماز میّت ببندند، اعمال خیر و شرّ برای خودمان مهیا کنیم.

انصافا بعضی از ما چه هنری داریم که در همین فرصت کوتاه ما بین اذان و شروع نماز، کلی ناله و نفرین و حق‌الناس و... برای خودمان دست و پا کنیم و هنرمندتر! آن‌هایی که در همین «جیک ثانیه»، سند شش‌دانگ یک تکه از بهشت خدا را به نام خود می‌زنند! حال‌تان گرفته شد؟!!

برعکس انتظاری که دارید، الآن نمی‌خواهم از شما بابت این حالگیری عذرخواهی کنم! این حالگیری درست همان چیزی‌ست که در این متن دنبالش بودم!

.....

شاید این روایت به گوش‌تان خورده باشد. از پیامبر اسلام ﷺ نقل است که ایشان برای اصحاب خود در مورد فلسفه اذان و اقامه گفتن در گوش نوزادی که تازه به دنیا آمده، توضیحاتی داده‌اند که ما در اینجا این روایت را کمی با زبان ژورنالیستی خودمان، به صورت کوچه بازاری‌اش برایتان تغییر می‌دهیم:

«می‌دانید چرا در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپ او اقامه می‌خوانند؟ اگر کمی دقت کنید، همیشه بعد از اذان و اقامه چه اتفاقی می‌افتد؟ خب معلوم است دیگر! نماز خوانده می‌شود! حالا ما در در این معادله سه مجهولی هم اذان داریم و هم اقامه... اما نمازش کو؟ یعنی قرار است از نوزادی که هنوز حتی نای گریه کردن درست و درمان را هم ندارد، انتظار نماز خواندن داشته باشیم؟!!

می‌بخشید که کمی حال‌تان را می‌گیرم! اما نماز آن اذان و اقامه، همان نماز میّت است که بعد از اقی شدن ما، بر جنازه‌مان خوانده خواهد شد!«

می‌بینید؟! ما فقط در فاصله بین «اذان و اقامه» و «شروع نماز» فرصت داریم در